



حرف‌های شنیدنی یکی از پیشمرگان کرد مسلمان

شنیدن روایت جنگ کردستان آن هم از زبان یکی از پیشمرگان کرد مسلمان حال و هوایی دیگر دارد. غبطه می‌خورد از روزهایی که گذشته است و کمتر روزنامه نگار و مستند سازی برای ثبت خاطرات آن روزها قدم به کردستان گذاشته است. می‌گوید در طول این سال‌ها با هیچ رسانه و نشریه‌ای صحبت نکرده و خاطر آتش هنوز بکر و دست نخورده است. وقتی حرف به روزهای دفاع مقدس و حمله عراق رسید با حسرتی برخاسته از تمام وجود گفت: جنگ کردستان پیش زمینه جنگ تحمیلی بود؛ دشمن می‌خواست از آستین کردستان به ایران ضربه بزند. جنگ در جبهه کردستان تفاوت‌های بسیاری با جنگ در دیگر جبهه‌ها داشت. در کردستان امکان شناسایی دشمن وجود نداشت چون همان لباسی را می‌پوشید که ما به تن داشتیم؛ دشمن در لباس خودی به ما خنجر می‌زد. بعد از ظهر یکی از روزهای گرم مرداد ماه به خانه‌ای ساده و بی‌آلایش در یکی از محلات شهر سنندج می‌روم. خانه‌ای که قرار است در آن با یکی از پیشمرگان کرد مسلمان ملاقات کنم. احمد سقزی این روزها ۶۰ سالگی را هم پشت سر گذاشته و ۳۰ سال خاطره‌را از روزهای سخت و بحرانی در کردستان در سینه دارد. سقزی از برادران اهل تسنن است و به گفته مسئولان سپاه و بنیاد شهید استان کردستان جزو معدود کسانی است که می‌توان از آنها به عنوان گنجینه خاطرات جنگ کردستان و دفاع مقدس نام برد.

